

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه بلد

استاد ضرابی اردیبهشت ۱۴۰۰

جلسه سوم ۱۴۰۰/۱/۲۵

آیات شریفه: «أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵) يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (۶) أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷) أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸) وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹) وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰) - آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت (۵) گوید مال فراوانی تباه کردم (۶) آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است (۷) آیا دو چشمش نداده ایم (۸) و زبانی و دو لب (۹) و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم (۱۰)»

عنوان: گمان‌ها، رنج‌ها و محرومیت‌ها

انسان تا قبل از آن که به بلوغ عقلی و ایمانی برسد و تجربه‌های ذوقی و عرفانی از حقایق عالم ملکوت که باطن و حقیقت عالم دنیا است، پیدا کند، نگاه او به زندگی و همه چیز، نگاهی هم سطح با حیوانات است. باوری نسبت به آنچه با چشم و گوشش نمی‌بیند ندارد و چون خدا و آخرتی را مشاهده نمی‌کند، جز برای دنیا و مشتهیات نفسانی و حبّ و بغض نفسانی قدمی بر نمی‌دارد.

در این مرحله غرائز حیوانی نشیط و فعال هستند و فطرت الهی و انسانی در خواب است؛ اما به کمک تربیت اولیاء و مربیان الهی فطرت خفته بیدار می‌شود؛ تذکرات، معارف و نصایح و حتی برخی تنبیهاات مؤثر واقع می‌شود و با دانستن حقایق معنوی مربوط به نظام عدل حاکم بر جهان و روز پاداش و جزای الهی، دیگر نمی‌تواند مانند گذشته عمل کند و محکمه وجدان او را راحت نمی‌گذارد و

نفس لَوّامه از سرعت او در پیمودن راه باطل می‌کاهد و نیروی عقل در او قوّت می‌گیرد و با استدلال‌های عقلی محکم و متقن در اثبات مبدأ و معاد و اصول عقاید به اقناع عقلی رسیده عقاید صحیح حقّه را بدست می‌آورد.

در این مرحله انگیزه بیشتری در تطبیق دادن رفتار و برنامه‌های زندگی خود با شرع مقدس پیدا می‌کند و با بجا آوردن تکالیف دینی، روح برای دریافت‌های معنوی آماده‌تر می‌شود.

تا قبل از استقرار کامل ایمان در جان و روان انسان گمان‌های بسیاری در قلب انسان تردید و شک را تقویت می‌کنند که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» - آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم و بسوی ما باز نمی‌گردید (مومن/۱۱۵)»

«أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتَرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» - آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد (عنکبوت/۲)»

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» - آیا چنین پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است (آل عمران/۱۴۲)»

«يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ» - او گمان می‌کند که اموالش او را جاودانه می‌سازد (همزه/۳)»، بر اساس همین گمان باطل، گمان باطل دیگری شکل می‌گیرد که اگر بخل بورزند و از انفاق مال حتی پرداخت وجوه شرعی خودداری کنند به نفع آنها خواهد بود.

«أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتَئِبُونَ» - آیا آنان می‌پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی‌شنویم. آری، رسولان ما نزد آنها هستند و می‌نویسند (زخرف/۸۰)»

«وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ...» - گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می‌دهند، غافل است (ابراهم/۴۲)»

«فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ - پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند. همانا خداوند قادر و انتقام گیرنده است(ابراهیم/۴۷)» اینها و هزاران خیال باطل دیگر که انسان را به خود مشغول می‌کند.

هر خیالی را خیالی می‌خورد فکر آن فکر دگر را می‌چرد
تو نتانی کز خیالی و راهی یا بخشی که از آن بیرون جهی
عنوان : اساس و ریشه پندارهای مهلک

« أَيْحَسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ... أَيْحَسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ »: در میان همه پندارهای غلط و خطرناک، خداوند متعال در این سوره شریفه به دو گمان باطل که ریشه و اساس پندارهای غلط دیگر می‌باشد تصریح نموده است که برای درمان این دو پندار غلط راه درمان و غلبه بر آن را نیز ارائه فرموده است.

انسان در نهانخانه اندیشه‌ها، نیت و آرزوهای خود، گمان می‌کند که تنها است و کسی را راهی به صندوق اسرار او نیست، از این رو بسیاری از حقایق را از دیگران پنهان می‌دارد.

مانند اینکه از نعمت‌هایی که خداوند در اختیار او قرار داده غافلانه در راه دشمنی با خدا استفاده می‌کند و می‌گوید: « يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا - مال فراوانی تباه کردم » یعنی فکر می‌کند که کسی او را نمی‌بیند و او تنها و رهاست یا می‌پندارد بر فرض، کسی او را ببیند قادر نیست جلوی او را بگیرد؛ یعنی خود را در محضر خداوند توانا نمی‌بیند؛ « أَيْحَسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ » آیا انسان می‌پندارد خدا قدرت ندارد تا همه نعمت‌های او را حیات او را سلامت او را اموالش را و قدرت بر حرکت و حتی قدرت بر اندیشیدن را از او بگیرد؟

« أَيْحَسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ » آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است. آیا آن زمان‌هایی که ما از حضور خداوند در غفلتیم این چنین احوالی بر ما حاکم نمی‌شود؟ آیا خود را تنها و رها نمی‌پنداریم؟ حال که این احوال اختصاص به افراد معینی ندارد و همه در معرض ابتلاء به آن هستند بلکه غالباً چنین حالی دارند، « وان كثيرا من الناس عن آياتنا لغافلون - بسیاری مردم، از آیات و

نشانه‌های ما غافل‌اند.» (یونس/ ۹۲) پس چاره چیست؟ و راه درمان آن چگونه است؟

در قرآن می‌خوانیم: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ • شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آن‌ها برده آنان حزب شیطانند؛ بدانید حزب شیطان زیانکارانند (مجادله/ ۱۹) « فراموشی یاد خدا از صفات پیروان شیطان شمرده شده است. از این جهت خداوند هشدار می‌دهد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ - و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او نیز آنان را دچار خود فراموشی کرد(حشر ۱۹)»

غفلت از تن بود، چون تن روح شد ببند او اسرار را بی هیچ بد
چون زمین برخاست از جو فلک نه شب و نه سایه باشد لی و لك

عنوان: عوامل فراموشی یاد خدا

در فرمایشی از امام علی (علیه السلام) آمده است: «إِحْذَرُوا الْغَفْلَةَ ؛ فَإِنَّهَا مِنْ فُسَادِ الْحِسِّ - از غفلت بپرهیزید که آن ناشی از تباهی حس و دریافت است»(غرر الحکم / ۲۵۸۴)

برده اید از یاد خود ذکر خدا گرچه غافل نیست یزدان از شما
چون شده کز یاد یزدان غافلید؟ دوستی با غیر او را مایلید
امام علی علیه السلام - در توصیف غافل فرمود: «وَهُوَ فِي مُهْلَةٍ مِنَ اللَّهِ ، يَهْوِي مَعَ الْغَافِلِينَ ، وَ يَغْدُو مَعَ الْمُذْنِبِينَ ، بِلَا سَبِيلٍ قَاصِدٍ ، وَ لَا إِمَامٍ قَائِدٍ... حَتَّى إِذَا كُشِفَ لَهُمْ عَنْ جَزَاءِ مَعْصِيَتِهِمْ ، وَ اسْتَخْرِجَهُمْ مِنْ جَلَابِيبِ غَفْلَتِهِمْ ، اسْتَقْبَلُوا مُدْبِرًا ، وَ اسْتَدْبَرُوا مُقْبِلًا ، فَلَمْ يَنْتَفِعُوا بِمَا أُدْرِكُوا مِنْ طَلِبَتِهِمْ ، وَ لَا بِمَا قَضَوْا مِنْ وَطَرِهِمْ - او در این چند صباحی که خداوند مهلتش داده است، با غافلان سرگرم است و روز خود را با گنهکاران سپری می‌کند، بی آن که راه راستی را ببیماید و پیشوایی راهنما داشته باشد... تا آن که خداوند کیفر گناهانشان را به آنان نشان داد و از پس پرده های غفلت بیرونشان آورد، به آنچه بدان پشت کرده بودند (مرگ و آخرت) روی نهادند و به آنچه بدان روی آورده بودند (دنیا) پشت کردند و نه از

آنچه طلبیدند و بدان رسیدند سودی بردند و نه از خواسته های خود که به آنها دست یافتند، بهره ای یافتند.» (نهج البلاغه ، الخطبه ۱۵۳)

امام سجاد(ع) در روایتی می فرماید: « وَيُحَكِّ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَّ قَسْوَةَ الْبُطْنَةِ وَ كِظَّةَ الْمَلَأَةِ وَ سُكَّرَ الشَّبَعِ وَ غِرَّةَ الْمُلْكِ مِمَّا يُثَبِّطُ وَ يُبْطِئُ عَنِ الْعَمَلِ وَ يُنْسِي الذِّكْرَ وَ يُلْهِى عَنِ اقْتِرَابِ الْأَجَلِ حَتَّى كَأَنَّ الْمُتَبَلَّى بِحُبِّ الدُّنْيَا بِهِ خَبَلٌ مِنْ سُكَّرِ الشَّرَابِ - وای بر تو ای فرزند آدم! بدان که سنگینی پُر خوری و رخوت و تنبلی برخاسته از انباشتنِ معده و مستی سیری و غفلتِ حاصل از قدرت، از چیزهایی هستند که انسان را در زمینه عمل کند و تنبل می کنند و ذکر خدا را از یاد او می برند و از نزدیک بودن مرگ، غافل می سازند، تا جایی که گرفتار دوستی دنیا، گویی از مستیِ شراب، دیوانه شده است.» (تحف العقول، صفحه ۱۹۶)

چند می گویی سخن از دروغ (درد و رنج) دیگران
خویش را اول مداوا کن، کمال این است و بس

عنوان : بیداری چشمها و غفلت دلها؟!!!

« أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ * وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ * وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ »: با توجه به اینکه هر آیه ای، آیات قبل خود را به گونه ای شرح می کند، خداوند یکی از دلایل رنج و گرفتاری انسان را گمان ها و پندارهای ناصواب معرفی نمود که به آن اشاره شد.

اکنون برای درمان این پندارهای باطل و بیرون آمدن انسان از خواب غفلت به خلقت چشمها توجه می دهد که باید بتوانند حقایق را ببینند. چگونگی دیدن حقایق معنوی به کمک چشمهای مادی نیازمند هماهنگی قوای باطنی با قوای ظاهری است مانند هماهنگی قلب طالب فهم حقایق به همراه نیت پاک با همین چشمان مادی که حقایق را می بیند.

درست مثل همیاری و همکاری عبور هوای نادیدنی (مانند دمیده شدن روح مجرد در جسم طبیعی) که زبان، آن را در فضای دهان به گونه ای می چرخاند که به هنگام خروج از دهان، به کمک لب ها به آواها و سخنان و حکایت از ما فی الضمیر تبدیل می شود و نیز به هدایت خداوند، دو راه خیر و شر از یکدیگر

متمایز و آشکار می‌گردند (از آن تعبیر به « نجدین » شده است) و گرنه بیداری چشمها با وجود غفلت دلها چه ثمری می‌تواند داشته باشد؟

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: « إِنْتِبَاهُ الْعُيُونِ لَا يَنْفَعُ مَعَ غَفْلَةِ الْقُلُوبِ - با وجود غفلت دلها، بیداری چشمها سودی نمی‌بخشد» (غررالحکم/ ۱۸۷۰) و نیز فرمود: « ضَادُّوا الْغَفْلَةَ بِالْيَقَظَةِ - با بیداری، به جنگ غفلت بروید.»

راز جز با رازدان انباز نیست	راز اندر گوش منکر راز نیست
محرم این هوش جز بی هوش نیست	مر زبان را مشتری جز گوش نیست

آن که در اندیشه خدا و خداترس است، کارهایش خدایی می‌شود، نفس خود را تمرین می‌دهد و آن را با گرسنگی آشنا می‌سازد تا عادت کند که به انباشته ساختن شکم تمایلی از خود نشان ندهد؛ اسب‌های ویژه مسابقات را با این روش آماده و لاغر می‌کنند؛ « وَ أَنَّ الْعَاقِلَ عَنِ اللَّهِ الْخَائِفَ مِنْهُ الْعَامِلَ لَهُ لِيَمُرَّ نَفْسَهُ وَ يُعَوِّدَهَا الْجُوعَ حَتَّى مَا تَشْتَأِقَ إِلَى الشَّبْعِ وَ كَذَلِكَ تُضَمَّرُ الْخَيْلُ لِسَبْقِ الرَّهَانِ » (تحف العقول، النص، ص ۲۷۳)

شکمبارگی ، تمایلات نفسانی، سرمستی از ثروت و قدرت ، انسان را دچار غفلت از یاد خدا و مرگ می‌کند.

پس قسم بر آنکه جان را آفرید	مصطفی را بر خلاق برگزید
راست باشد که آنچه آرم بر زبان	چون نبی کرده مرا آگاه از آن
گفته از هر کس که می‌گردد هلاک	وز کسی که رستگار افتاد و پاک
هر چه که می‌کرد بر ذهنم خطور	مطلع می‌کرد من را زان امور